



تیزهوشی تحول آفرین

استفاده از تیزهوشی و استعدادهای درخشان
در راستای ایجاد دنیایی بهتر

براستاران:

رابرت استرنبرگ، دان آسروز و ساره کرمی

مترجمان:

دکتر احمد عابدی

عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان

دکتر علیرضا محسنی

عضو هیئت علمی دانشگاه گیلان

ویراستار علمی:

دکتر ابوطالب سعادت‌ی شامیر

رئیس انجمن علمی مطالعات هوش و استعداد ایران



سرشناسه	: استرنبرگ، رابرت
عنوان و نام پدیدآور	: تیزهوشی تحول‌آفرین: استفاده از تیزهوشی و استعدادهای درخشان در راستای ایجاد دنیایی بهتر/ ویراستاران رابرت استرنبرگ، دان امبروز و ساره کرمی؛ ترجمه احمد عابدی، علیرضا محسنی؛ ویراستار علمی ابوطالب سعادت
مشخصات نشر	: اصفهان: دانشگاه اصفهان، ۱۴۰۵
مشخصات ظاهری	: ی، ۳۳۹ ص.
فرویت	: انتشارات دانشگاه اصفهان؛ ۸۰۵.
شابک	: 978-600-110-275-2
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت	: عنوان اصلی: The Palgrave Handbook of Transformational Giftedness for Education, 2022
یادداشت	: کتابنامه
عنوان دیگر	: استفاده از تیزهوشی و استعدادهای درخشان در راستای ایجاد دنیایی بهتر
موضوع	: کودکان تیزهوش -- آموزش و پرورش Educational change تحولات آموزشی Educational innovations آموزش و پرورش - نوآوری
شناسه افزوده	: استرنبرگ، رابرت ج.، ۱۹۴۹ - م.، ویراستار Sternberg, Robert J
شناسه افزوده	: امبروز، دونالد، ۱۹۵۰ - م.، ویراستار Ambrose, Donald, 1950
شناسه افزوده	: کرمی، ساره، ویراستار Karami, Sareh
شناسه افزوده	: عابدی، احمد، ۱۳۴۴ -، مترجم
شناسه افزوده	: محسنی، علیرضا، ۱۳۶۸ -، مترجم
شناسه افزوده	: سعادت، ابوطالب، ۱۱۵۴ -، ویراستار Seadati, Abotaleb
شناسه افزوده	: دانشگاه اصفهان
شناسه افزوده	: University of Isfahan
رده بندی کنگره	: LC۳۹۹۳
رده بندی دیویی	: ۳۷۱/۹۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۰۶۰۷۹۸۷

عنوان کتاب: تیزهوشی تحول‌آفرین: استفاده از تیزهوشی و استعدادهای

درخشان در راستای ایجاد دنیایی بهتر

احمد عابدی، علیرضا محسنی

ترجمه:

ابوطالب سعادت

ویراستار علمی:

زهره طاهری اندانی

ویراستار ادبی:

رضا نیکبخت

ناظر فنی:

دانشگاه اصفهان

ناشر:

اول، پاییز، ۱۴۰۵

نوبت چاپ:

۱۰۰۰

شمارگان:

دانشگاه اصفهان

چاپ و صحافی:

۹/۹۰۰/۰۰ ریال

قیمت:



تمامی حقوق نشر برای ناشر محفوظ است

مراکز فروش کتاب

اصفهان: دانشگاه اصفهان، چاپخانه دانشگاه، تلفن: ۰۳۱-۳۷۹۳۲۱۸۵ و ۰۳۱-۳۷۹۳۲۰۹۲

پُست الکترونیکی: press@res.ui.ac.ir فروش الکترونیکی کتاب: <https://press.ui.ac.ir>

- میدان آزادی، خیابان دانشگاه، فروشگاه کتاب دانشگاه اصفهان تلفن: ۰۳۱-۳۷۹۳۲۰۶۸

تهران: میدان انقلاب، خیابان شهید لبافی‌نژاد، بین ۱۲ فروردین و اردیبهشت، پلاک ۲۳۸

مؤسسه کتابیران، مرکز پخش کتاب‌های دانشگاهی، تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۹۴۴۰۹ و ۰۲۱-۶۶۴۱۱۱۷۳

پیشگفتار مترجمان

در سال‌های اخیر، مفهوم تیزهوشی دچار تحولاتی بنیادین در حوزه پژوهش و آموزش شده است. این مفهوم که پیش‌تر به عنوان یک ویژگی فردی سنجیده می‌شد، اکنون به واسطه تغییرات سریع و چالش‌های نوظهور جهانی، بازنگری و در چارچوبی جامع‌تر و پویاتر تحلیل می‌شود. تیزهوشی که عمدتاً با معیارهایی مانند ضریب هوشی بالا یا عملکرد تحصیلی برجسته سنجیده می‌شد، دیگر فقط به عنوان نشانه‌ای از توانایی‌های ذاتی یک فرد نگرسته نمی‌شود. در عوض، نگرش‌های معاصر به سوی درکی وسیع‌تر از این مفهوم گرایش یافته‌اند که فراتر از مرزهای سنتی حرکت می‌کند و توانایی‌های فردی را به عنوان ابزاری برای تحولات اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی مورد توجه قرار می‌دهد.

یکی از رویکردهای جدید در این زمینه، تیزهوشی تحول‌آفرین است؛ مفهومی که به جای تمرکز صرف بر موفقیت‌های فردی، بر تأثیرگذاری مثبت، معنادار و پایدار فرد بر جامعه تأکید دارد. این رویکرد تیزهوشی را نه فقط به عنوان مجموعه‌ای از توانایی‌ها و استعدادها، بلکه به عنوان یک نیروی محرک برای تغییرات اساسی و بنیادین در نظر می‌گیرد. در تیزهوشی تحول‌آفرین، فرد به جای تلاش برای دستیابی به اهداف شخصی، مانند نمرات بالا، مدارج دانشگاهی یا کسب موقعیت‌های شغلی برتر، به دنبال بهره‌گیری از استعدادها و توانایی‌های خود برای خدمت به جامعه و ایجاد بهبودهای واقعی در جهان پیرامون است.

کتاب حاضر ترجمه کتابی با عنوان راهنمای پالگرو دربارۀ تیزهوشی تحول‌آفرین برای آموزش و پرورش^۱ است که ویراستاران آن رابرت استرنبرگ، دان آمبروز و ساره کرمی هستند. این اثر یک منبع جامع در حوزه تیزهوشی تحول‌آفرین است که به دنبال بازنگری در مفاهیم سنتی و ارائه راهکارهای جدید برای آموزش دانش‌آموزان تیزهوش و دارای استعدادها درخشان است. کتاب اصلی شامل ۲۲ فصل بود، اما پس از مطالعه دقیق و اعمال نظرات ۶ داور کتاب، ۱۲ فصل به دلیل حجم زیاد و هماهنگی کمتر با نظام آموزشی ایران حذف شدند. به عقیده داوران، این فصل‌ها انطباق بسیار کمی با نظام آموزش و پرورش کشور ایران داشتند.

¹ The Palgrave Handbook of Transformational Giftedness for Education

همچنین، با توجه به پیشنهاد داوران علمی، پنج فصل از مقاله‌های معتبر و به‌روز مرتبط با تیزهوشی تحول‌آفرین و تیزهوشی مبادله‌ای که از سازگاری مفهومی و کاربردی مناسبی با نظام آموزشی ایران برخوردار بودند، به کتاب افزوده شدند. این فصل‌ها به گونه‌ای انتخاب شدند که ضمن حفظ انسجام نظری اثر، خواننده ایرانی را به صورت نظام‌مند با ابعاد مفهومی، تحلیلی و انتقادی این رویکردها آشنا کنند. فصل‌های افزوده‌شده شامل فصل اول با عنوان «تیزهوشی تحول‌آفرین: بازاندیشی در دیدگاه رایج نسبت به آموزش استعدادهای درخشان»، فصل سوم با عنوان «تیزهوشی تحول‌آفرین در مقابل تیزهوشی مبادله‌ای: نقد و بازنگری در ارزیابی»، فصل پنجم با عنوان «مدل دوگانه تیزهوشی: داشتن تیزهوشی (ورودی) و بهره‌برداری از آن (خروجی)»، فصل هفتم با عنوان «استعاره‌های ضمنی برای درک تیزهوشی: از بانک‌ها تا بنیادها» و فصل سیزدهم با عنوان «فراتر از تیزهوشی تحول‌آفرین» هستند. افزوده شدن این فصل‌ها نتشی مؤثر در به‌روزرسانی محتوای کتاب و تبیین شفاف‌تر مفاهیم ایفا کرده و زمینه درک دقیق‌تر این رویکرد نوین را برای خواننده فارسی‌زبان فراهم کرده است. افزون بر این، در راستای تأکید داوران بر دقت مفهومی و انسجام اصطلاح‌شناختی اثر، پیشنهاد شد کتاب توسط یک ویراستار تخصصی در حوزه هوش و استعداد مورد بررسی علمی قرار گیرد. بر همین اساس، فرایند واژه‌سازی، معادل‌یابی مفاهیم و تثبیت اصطلاحات تخصصی با تعامل مستمر میان مترجمان، ویراستار علمی کتاب و با بهره‌گیری از نظرات تخصصی انجمن مطالعات هوش و استعداد ایران انجام شد. این رویکرد موجب شد تا ضمن حفظ امانت‌داری علمی نسبت به متن اصلی، زبان اثر از دقت مفهومی، شفافیت نظری و هم‌خوانی با پیشینه علمی رایج در فضای دانشگاهی ایران برخوردار باشد.

در ادامه، با توجه به دغدغه داوران درباره امکان کاربرد عملی مفاهیم تیزهوشی تحول‌آفرین در نظام آموزش و پرورش ایران، دو فصل به صورت ضمیمه و به طور اختصاصی توسط مترجمان تدوین شدند. این ضمائم شامل «پرورش تیزهوشی تحول‌آفرین از طریق روشن کردن چراغ خردمندی در مدارس» و «بازطراحی مدارس استعدادهای درخشان در ایران بر مبنای تیزهوشی تحول‌آفرین» هستند که می‌کوشند پیوندی روشن میان چارچوب‌های نظری کتاب و واقعیت‌های آموزشی و فرهنگی جامعه ایرانی برقرار کنند.

کتاب حاضر تلاشی علمی و هدفمند در راستای بازاندیشی انتقادی مفهوم تیزهوشی در بافت آموزش و پرورش ایران به شمار می‌آید. مترجمان امیدوار هستند این اثر نه فقط برای دانش‌آموزان، معلمان و مدیران آموزشی، بلکه برای پژوهشگران و سیاست‌گذاران حوزه آموزش استعدادهای درخشان نیز منبعی الهام‌بخش و راه‌گشا باشد. در پایان، مترجمان بر خود

لازم می‌دانند از حمایت‌ها و همراهی‌های ارزشمند انتشارات دانشگاه اصفهان و نیز از داوران محترم کتاب که با دقت علمی و صرف وقت، مسئولیت ارزیابی و ویراستاری اثر را به عهده داشتند، صمیمانه قدردانی و تشکر کنند.

دکتر احمد عابدی

عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان، a.abedi@edu.ui.ac.ir

دکتر علیرضا محسنی

عضو هیئت علمی دانشگاه گیلان، alirezamohseni@guilan.ac.ir

دکتر ابوطالب سعادت‌ی شامیر

رئیس انجمن علمی مطالعات هوش و استعداد ایران

انتشارات دانشگاه اصفهان

انتشارات دانشگاه اصفهان

پیشگفتار نویسندگان

بسیاری از کشورها، از جمله ایالات متحده، سیستم‌هایی مختلف برای آموزش ویژه دارند. اما بیشتر این سیستم‌ها عمدتاً روی دانش‌آموزانی تمرکز می‌کنند که عملکردی ضعیف دارند، نه روی دانش‌آموزانی که فراتر از انتظارات هستند؛ یعنی دانش‌آموزان تیزهوش. چرا این چنین است؟ دانش‌آموزانی که عملکردی ضعیف دارند، در معرض این خطر قرار دارند که نه فقط در حوزه تحصیلی ناامید شوند، بلکه ممکن است به عنوان باری برای جامعه نیز به شمار بروند. چرا؟ زیرا ممکن است در آینده به کمک‌های مالی یا دیگر گونه‌های کمک نیاز داشته باشند تا بتوانند در جهانی رقابتی و چالش‌برانگیز سربلند باشند یا حتی در آن سازگار شوند. در مقابل، کودکان تیزهوش معمولاً به عنوان افرادی دیده می‌شوند که به خوبی از سیستم آموزشی استفاده کرده‌اند و در نتیجه، معمولاً به منابع بیشتری نیاز ندارند. حتی اگر نیازی احساس کنند، می‌توانند به خوبی خودشان را مدیریت کنند.

اما بدون شک، نگاه بهتر این است که دانش‌آموزان تیزهوش را به عنوان افرادی کلیدی برای بهبود کشور و جهان دانست. این کودکان می‌توانند تحول‌آفرین باشند، اما آیا واقعاً چنین هستند؟ استرنبرگ^۱ (۲۰۲۰ الف، ۲۰۲۰ ب) پیشنهاد کرده است یکی از مشکلات اصلی آموزش دانش‌آموزان تیزهوش در ایالات متحده این است که آن‌ها به صورت معامله‌ای دیده می‌شوند: سیستم آموزشی در آموزش این کودکان سرمایه‌گذاری می‌کند و در عوض، این کودکان در معیارهای سنتی موفقیت تحصیلی سطح عملکرد بالایی دارند. آن‌ها در آزمون‌های استاندارد سراسری یا کشوری به خوبی عمل می‌کنند، نمرات بالایی می‌گیرند و شاید حتی وارد دانشگاه‌هایی معتبر شوند و مدرکی معتبر دریافت کنند. اما اینکه آیا از آموزش خود برای بهبود زندگی دیگران بهره می‌برند یا خیر، بخشی از این معامله نیست.

استرنبرگ (۲۰۲۰ الف، ۲۰۲۰ ب) استدلال کرده است آموزش به دانش‌آموزان تیزهوش باید روی پرورش افراد دارای تیزهوشی تحول‌آفرین^۲ متمرکز باشد، نه فقط افرادی که به

¹ Sternberg

² transformationally gifted

صورت مبادله‌ای^۱ عمل می‌کنند. افراد دارای تیزهوشی مبادله‌ای از هوش و استعداد خود به عنوان یک وسیله برای دریافت چیزی (برای مثال، نمرات بالا، نتایج تست‌های خوب، پذیرش در دانشگاه‌های معتبر، یا کمک‌های مالی برای تحصیل) استفاده می‌کنند، بدون اینکه لزوماً به بهبود جامعه کمک کنند. اما افراد دارای تیزهوشی تحول‌آفرین، تیزهوشی خود را به عنوان ابزاری برای بهبود جامعه و دستیابی به یک «خوبی مشترک» می‌بینند. آن‌ها با به‌کارگیری استعدادهای خود، تغییرات مثبت، معنادار و پایدار را در جهان ایجاد می‌کنند (استرنبرگ، ۲۰۱۷). اگر مسئولان آموزشی احساس کنند منابع مالی و دیگر امکاناتی که در آموزش دانش‌آموزان تیزهوش سرمایه‌گذاری می‌کنند نه فقط به پر کردن حساب‌های بانکی شخصی، بلکه به بهبود جامعه کمک می‌کنند، ممکن است تمایل بیشتری به سرمایه‌گذاری در این حوزه داشته باشند.

هدف این کتاب، این است که مفاهیمی مختلف را درباره‌ی شناسایی و آموزش دانش‌آموزان تیزهوش ارائه دهد، با این فرض که آموزش به استعدادهای خاص بیشتر روی یک رویکرد تحول‌آفرین متمرکز باشد تا یک رویکرد مبادله‌ای. چه می‌شود اگر آموزش تیزهوشان به جای تمرکز زیاد روی مسائلی مانند «کتاب‌بخشی نسبت به غنی‌سازی» یا «جدا کردن دانش‌آموزان از کلاس نسبت به آموزش در محیط کلاسی»، روی این موضوع تمرکز کند که چگونه می‌توان با بهره‌گیری از تیزهوشی به بهبود دنیا کمک کرد؟

در بسیاری از موارد، آموزش و پرورش به خوبی به دانش‌آموزان نمی‌گوید چگونه مسائلی که در آینده با آن‌ها مواجه خواهند شد را شناسایی و حل کنند. آموزش و پرورش به جای مسائلی که دانش‌آموزان در جهان واقعی با آن‌ها مواجه می‌شوند، معمولاً روی مسائل محدود به محیط مدرسه تمرکز می‌کند. این کتاب به این پرسش پاسخ می‌دهد: چگونه آموزش و پرورش می‌تواند به گونه‌ای طراحی شود که دانش‌آموزان تیزهوش را برای «تبدیل کردن جهان» آماده کند؛ یعنی جهانی بهتر برای همه، نه فقط برای افرادی که به خاطر برجسته بودن «هوش بالا» از منابع بیشتری بهره‌مند می‌شوند. اصلی‌ترین هدف این کتاب استفاده از تیزهوشی برای حل مسائل جهانی است. این مسائل متنوع و گاهی جدی هستند. افراد تحول‌آفرین سعی می‌کنند جهان را به جایی بهتر و عادلانه‌تر تبدیل کنند. آن‌ها تلاش می‌کنند تا تغییراتی مثبت، معنادار و پایدار در موضوع‌هایی که در حال حاضر در جهان وجود دارند، ایجاد کنند. این تغییرات ممکن است در سطح محلی باشد، مانند یک شهر یا روستا، یا در سطح جهانی. اما این افراد تیزهوشی خود را به عنوان یک فرصت برای بهبود جهان دیگران می‌بینند، نه یک مبادله برای به دست آوردن مزایای شخصی. به عبارت دیگر، هوش بالایشان را دلیلی برای دستیابی به دانشگاه‌های

¹ transactionally

معتبرتر، درآمد بیشتر یا زندگی در مناطق منحصربه‌فردتر نمی‌بینند، بلکه از آن به عنوان ابزاری برای ساختن جهان بهتر استفاده می‌کنند.

هدف اصلی این کتاب ارائه ایده‌هایی جدید در زمینه آموزش دانش‌آموزان تیزهوش است. مخاطبان اصلی این کتاب پژوهشگران، معلمان و تصمیم‌گیرانی هستند که در حوزه آموزش تیزهوشان و استعدادهای درخشان فعالیت می‌کنند، زیرا آن‌ها هستند که می‌توانند روش‌های آموزش تیزهوشان را دگرگون کنند. با این حال، ما فکر می‌کنیم مدل تحول‌آفرینی که در این کتاب مطرح شده است می‌تواند به تمام دانش‌آموزان نیز اعمال شود. بنابراین، امیدوار هستیم این کتاب مورد توجه پژوهشگران، معلمان و تصمیم‌گیران در تمام حوزه‌های آموزش نیز قرار گیرد. ما فکر می‌کنیم گروهی دیگر از خوانندگان این کتاب دانشجویان حوزه آموزش تیزهوشان و والدینی خواهند بود که به این حوزه علاقه دارند، حتی اگر سابقه تخصصی در آن نداشته باشند. خوانندگان این کتاب با مقاله‌هایی مختلف از یک گروه چندوجهی از پژوهشگران و معلمان آشنا خواهند شد. اگرچه هر دلیل به اختیار نویسندگان برای انتخاب موضوع خود باقی مانده است، به طور کلی از نویسندگان خواسته شده است تا به چند پرسش اصلی پاسخ دهند:

- چه چیزی در آموزش تیزهوشان تا به حال کم بوده است که دانش‌آموزان تیزهوش را برای یک آینده نامشخص، چالش برانگیز و ناهمگونی تیره آماده کند؟
- چه تغییراتی می‌توان ایجاد کرد تا دانش‌آموزان برای آینده‌ای که واقعاً با آن مواجه هستند بهتر آموزش ببینند و آماده شوند، نه آینده‌ای که احتمالاً در ابتدای قرن بیستم تصور می‌شد؟
- چگونه می‌توان شناسایی دانش‌آموزان تیزهوش را تغییر داد تا بیشتر روی شناسایی دانش‌آموزانی تمرکز شود که توانایی تغییر مثبت در جامعه را دارند، نه فقط دانش‌آموزانی که در مدرسه عملکردی خوب دارند و در عوض آن، منابع بیشتری دریافت می‌کنند؟
- چگونه معلمان دانش‌آموزان تیزهوش می‌توانند با طراحی روش‌های نوین آموزشی و ارائه مدارک قانع‌کننده به مسئولان، آن‌ها را به سرمایه‌گذاری بیشتر در حوزه آموزش استعدادهای درخشان ترغیب کنند؟

رابرت استرنبرگ^۱

گروه روان‌شناسی، کالج بوم‌شناسی انسانی، دانشگاه کرنل، ایتاکا، نیویورک، ایالات متحده آمریکا

دان آمبروز^۲

گروه تحصیلات تکمیلی، دانشگاه رایدر، لارنس ویل، نیوجرسی، ایالات متحده آمریکا

ساره کرمی^۳

دانشگاه ایالتی می‌سی‌سی‌پی، استار کویل، می‌سی‌سی‌پی، ایالات متحده آمریکا

¹ Robert Sternberg, robert.sternberg@cornell.edu

² Don Ambrose, ambrose@rider.edu

³ Sareh Karami, skarami@colled.msstate.edu

منابع

- Sternberg, R. J. (2017). ACCEL: A new model for identifying the gifted. *Roeper Review*, 39(3), 139-152.
<http://www.tandfonline.com/eprint/kSvRMFf9R8tAJPDRfXrJ/full>
- Sternberg, R. J. (2020a). Transformational giftedness. In T. L. Cross & P. Olszewski-Kubilius (Eds.), *Conceptual frameworks for giftedness and talent development* (pp. 203-234). Prufrock Press.
- Sternberg, R. J. (2020b). Transformational giftedness: Rethinking our paradigm for gifted education. *Roeper Review*, 42(4), 230-240.
<https://doi.org/10.1080/02783193.2020.1815266>

انتشارات دانشگاه اصفهان

فهرست مطالب

بخش اول: مفاهیم بنیادی و تبیین تیزهوشی تحول‌آفرین

۱. تیزهوشی تحول‌آفرین: بازاندیشی در دیدگاه رایج نسبت به آموزش استعدادهای درخشان ۳
رابت استرنبرگ
۲. قدر نهادن به آنچه ناپیداست: رویکردهای مبادله‌ای و تحول‌آفرین به تیزهوشی ۳۳
دی. چوی و جی. سی. کافمن
۳. تیزهوشی تحول‌آفرین در مقابل تیزهوشی مبادله‌ای: نقد و بازنگری در ارزیابی ۵۵
رابت استرنبرگ
۴. تیزهوشی تحول‌آفرین: درباره چه کسی صدق می‌کند؟ ۶۷
رابت استرنبرگ
۵. مدل دوگانه تیزهوشی: داشتن تیزهوشی (ورودی) و بهره‌برداری از آن (خروجی) ۸۹
رابت استرنبرگ

بخش دوم: موانع و مبالغ‌ها

۶. کشف و از بین بردن موانع بزرگی که مانع گذار از «تیزهوشی مبادله‌ای» به «تیزهوشی تحول‌آفرین» می‌شوند ۱۳۳
دان آمبروز
۷. استعاره‌های ضمنی برای درک تیزهوشی: از بانک‌ها تا بنیادها ۱۵۷
رابت استرنبرگ
۸. بازتعریف استعدادهای انسانی: آموزش تیزهوشان در عصر ماشین‌های هوشمند ۱۷۵
یونگ ژائو، جیمز باشام و جیسون تراورز

بخش سوم: پرورش تیزهوشی تحول‌آفرین

۹. تسهیلگری برای تغییر: بهبود جهان از طریق پرورش استعدادها ۲۰۵
جنیفر ریدل کراس و تریسی کراس
۱۰. پرورش رهبران آینده: هدایت دانش‌آموزان تیزهوش به مسئولیت اجتماعی و بهبود سیاره از طریق برنامه سه‌گانه غنی‌سازی ۲۲۷
سالی ریس و جوزف رنزولی

بخش چهارم: دیدگاه‌های خاص و آینده‌پژوهی

۱۱. خردمندی، تیزهوشی تحول‌آفرین و ایده‌آل شخصیت: تحلیلی بر اساس نظریه دابروفسکی ۲۵۵
آماندا هارپر

۱۲. شروعی دوباره: نگرش ایرانی به مفهوم تیزهوشی با قابلیت تحول آفرینی برای جوامع و جهان .. ۲۸۱
ساره کرمی و مهدی قهرمانی

۱۳. فراتر از تیزهوشی تحول آفرین ۲۹۹
رابرت استرنبرگ، آکاش چوکاس، اوفلی دسمت، ساره کرمی، جنا لندی و جیالین لو

بخش پنجم: ضمايم

ضمیمه ۱: پرورش تیزهوشی تحول آفرین از طریق روشن کردن چراغ خردمندی در مدارس ۳۱۳
علی رضا محسنی و احمد عابدی

ضمیمه ۲: بازطراحی مدارس استعدادهای درخشان در ایران بر مبنای تیزهوشی تحول آفرین ۳۲۹
علی رضا محسنی و احمد عابدی

انتشارات دانشگاه اصفهان

بخش اول:

مفاهیم بنیادی

و تبیین تیزهوشی تحول آفرین

انتشارات دانشگاه اصفهان

انتشارات دانشگاه اصفهان

تیزهوشی تحول‌آفرین: بازاندیشی در دیدگاه رایج نسبت به آموزش استعدادهای درخشان

رابرت استرنبرگ

تیزهوشی تحول‌آفرین^۱ نوعی از تیزهوشی است که به صورت تحولی عمل می‌کند. افراد دارای تیزهوشی تحول‌آفرین می‌کوشند در سطحی معین و با روش انتخابی خود، تغییراتی مثبت در جهان ایجاد و آن را به مکانی بهتر تبدیل کنند. در مقابل، تیزهوشی مبادله‌ای بر پایه منطق تبادل و پاداش شکل می‌گیرد. این نوع تیزهوشی به صورت «چشم در چشم» عمل می‌کند. زمانی که فردی به عنوان تیزهوش شناخته می‌شود، این برجسب موجب شکل‌گیری انتظاراتی در او و اطرافیان می‌شود که معمولاً به عملکردی ممتاز و جالب توجه منتهی می‌شود. این کار برای کودکان معمولاً عملکردی با سطح بالا در دروس تحصیلی است. جامعه همچنین ممکن است انتظار داشته باشد فرد در مراحل بعدی زندگی نیز به نشان دادن دستاوردهای آموزشی برجسته ادامه دهد. این دو نوع تیزهوشی ذاتی نیستند، بلکه از طریق زندگی در مدرسه و در خانه و تعامل با نگرش‌های شخصی فرد نسبت به زندگی شکل می‌گیرند.

^۱ درباره بازطراحی مدارس استعدادهای درخشان در ایران بر مبنای تیزهوشی تحول‌آفرین، اطلاعات گسترده‌تر در ضمیمه شماره ۲ ارائه شده است.

تحول مفهومی در تیزهوشی: از چالش‌های گذشته تا نیازهای معاصر

پرسش‌های مطرح‌شده در جوامع با گذر زمان دگرگون می‌شوند و منعکس‌کنندهٔ دغدغه‌ها، دانش و ارزش‌های هر دوره هستند. در دوران کودکی و نوجوانی من (دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰)، پرسش‌هایی مانند «آیا از سوخت‌های فسیلی بیش از حد استفاده می‌کنیم؟»، «آیا باید افزودنی‌های سربی از بنزین به طور کامل حذف شوند؟» یا «آیا زمان آغاز کمپین‌های عمومی علیه مصرف سیگار فرا رسیده است؟» به‌ندرت در گفت‌وگوهای عمومی مطرح می‌شدند. علت آن فقدان آگاهی عمومی یا دست‌کم درک مبهم از پیامدهای زیست‌محیطی و سلامتی ناشی از سوزاندن سوخت‌های فسیلی، اشتیاق یا جذب سرب و تنفس دود سمی سیگار بود. در مقابل، پرسش‌هایی که در آن دوران محور گفت‌وگوی اجتماعی بودند اما امروز جایگاه خود را از دست داده‌اند عبارت بودند از: «آیا دامن‌های کوتاه مصداق بی‌حیایی هستند؟» یا «آیا نفوذ جاسوسان کمونیست در دولت ایالات متحده تهدیدی جدی برای انسجام عملکردهای حکومتی به شمار می‌آید؟» دگرگونی در محتوای پرسش‌ها به‌وضوح نشان می‌دهد اولویت‌ها و میزان آگاهی جوامع چگونه در طول زمان تغییر کرده‌اند. به طور کلی، پرسش‌هایی که در یک دورهٔ زمانی مناسب یا مهم به نظر می‌رسند، معمولاً در دوره‌های دیگر بی‌اهمیت یا حتی بی‌معنا به نظر می‌رسند. برای نمونه، اگرچه احتمال حضور جاسوسانی در ساختار دولت ایالات متحده همچنان منتفی نیست، این احتمال که آنان رابسته به جریان‌های کمونیستی باشند در شرایط کنونی بسیار دور از ذهن است. در نتیجه، چنین پرسشی امروز نه فقط موضوعیت خود را از دست داده است، بلکه در بستر تحولات سیاسی و تاریخی، بی‌معنا و غیرواقع‌گرایانه به نظر می‌رسد.

به همین ترتیب، در علم و آموزش نیز پرسش‌هایی که مطرح می‌شوند تغییر می‌کنند. برای مثال، پرسش‌هایی که دانشمندان رفتاری در دههٔ ۱۹۵۰ دربارهٔ تأثیر برنامه‌های تقویتی روی موش‌هایی که در قفس‌ها می‌دویدند، مطرح می‌کردند، در آن زمان مهم به نظر می‌رسیدند، اما امروز دیگر در مرکز توجه روان‌شناسی قرار ندارند. به طور مشابه، پرسیدن اینکه آیا باید آموزش مختلط مجاز باشد، زمانی مهم بود، اما امروزه چندان اهمیتی ندارد. زمانی که من در دانشگاه ییل^۱ در دورهٔ کارشناسی بودم، مقاومت زیادی در برابر ایدهٔ آموزش مختلط در میان دانشجویان وجود داشت.

^۱ Yale

در حوزه روان‌شناسی و آموزش استعدادهای درخشان، به نظر می‌رسد روند تغییر پرسش‌ها نسبت به سایر زمینه‌ها کندتر بوده است. در طول سال‌ها و در جلسات متعدد با دانشمندان و معلمان حوزه استعدادهای درخشان، برخی از پرسش‌ها همچنان به طرز شگفت‌انگیز مطرح می‌شوند و به نظر می‌رسد هنوز هم جایگاه خود را حفظ کرده‌اند. این پرسش‌ها که در سه نسخه از کتاب‌هایی که من با همکاری دیگران ویرایش کرده‌ام همچنان پابرجا هستند، شامل مسائل کلیدی در زمینه تیزهوشی می‌شوند. برای مثال، پرسش‌هایی همچون (۱) نقش ضریب هوشی در شناسایی کودکان تیزهوش چگونه باید باشد؟، (۲) چه سطحی از ضریب هوشی برای طبقه‌بندی کودکان به عنوان تیزهوش کافی است؟، (۳) چه رابطه‌ای میان شخصیت و انگیزه با تیزهوشی وجود دارد؟، (۴) آیا باید برای آموزش کودکان تیزهوش از روش‌های تسریع یا غنی‌سازی، یا ترکیبی از هر دو، استفاده کرد؟، (۵) آیا آموزش کودکان تیزهوش باید در کلاس‌های مختص خودشان انجام شود؟ و (۶) آیا باید روش‌های آموزشی ویژه برای تیزهوشان برای کودکان غیرتیزهوش نیز به کار گرفته شوند؟ این‌ها پرسش‌هایی هستند که هنوز در کانون بحث‌ها قرار دارند و به طور مداوم مطرح می‌شوند.

اگرچه سرعت تغییر در پرسش‌های مرتبط به تیزهوشی همیشه ثابت نبوده است، دامنه مفهومی این حوزه به طرز چشمگیر گسترش یافته و به سمت پیشرفت‌های مثبت حرکت کرده است؛ به ویژه با ظهور نظریه‌های گسترده و جامع درباره تیزهوشی که در محافل دانشگاهی توجه زیادی را به خود جلب کرده‌اند. این نظریه‌ها اگرچه در عمل همیشه در مدارس به طور کامل اجرا نشده‌اند، تأثیراتی قابل ملاحظه در شکل‌گیری فهم ما از تیزهوشی داشته‌اند (برای مثال، آمبروز، در حال چاپ؛ کالاهان و آزانو^۱، در حال چاپ؛ کراس^۲ و کراس، ۲۰۱۷؛ دای^۳، ۲۰۱۹؛ فلدمن^۴، در حال چاپ؛ فورد^۵، ۲۰۱۴؛ گانیه^۶، ۲۰۰۵؛ کارنس و بین^۷، ۲۰۱۷؛ رنزولی^۸، ۱۹۷۷؛ ساک^۹، در حال چاپ؛ سوبوتنیک^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۱؛ تاننباوم^{۱۱}، ۱۹۸۳؛ تیری^{۱۲}، ۲۰۱۱؛ توردژمن^{۱۳} و همکاران، در حال چاپ).

¹ Callahan & Azano

² Cross

³ Dai

⁴ Feldman

⁵ Ford

⁶ Gagné

⁷ Karnes & Bean

⁸ Renzulli

⁹ Sak

¹⁰ Subotnik

¹¹ Tannenbaum

¹² Tirri

¹³ Tordjman

هدف این فصل این است که پیشنهاد دهد شاید اکنون زمان آن رسیده باشد که مجموعه‌ای کاملاً جدید از پرسش‌ها را مطرح کنیم؛ پرسش‌هایی که بازتاب‌دهنده چالش‌های دهه دوم قرن بیست‌ویکم باشند، نه چالش‌های نیمه دوم قرن بیستم. به طور خاص، در این فصل مفاهیم «تیزهوشی تحول‌آفرین» و «تیزهوشی مبادله‌ای» معرفی می‌شوند و پیشنهاد می‌شود که باید از خود پرسیم: آیا هدف ما پرورش کودکانی است که تیزهوشی تحول‌آفرین دارند یا کسانی که تیزهوشی مبادله‌ای؟ مفاهیم مبادله‌ای و تحول‌آفرین ابتدا در مطالعات رهبری مطرح شدند. اکنون نوبت آن است که کاربرد این مفاهیم را در زمینه تیزهوشی بررسی کنیم، درست همان‌طور که در ابتدا در رهبری به کار گرفته شدند.

رهبری تحول‌آفرین در مقابل رهبری مبادله‌ای

در پیشینه پژوهشی مرتبط به حوزه رهبری، تمایز بین دو نوع رهبری، یعنی رهبری تحول‌آفرین و رهبری مبادله‌ای، به طور گسترده مورد توجه قرار گرفته است (باس^۱ و همکاران، ۱۹۹۶؛ باس، ۱۹۹۸-۲۰۰۲؛ باس و آولیو^۲، ۱۹۹۴؛ باس و ریگیو^۳، ۲۰۰۶؛ ساشکین^۴، ۲۰۰۴؛ سوسیک و مگریان^۵، ۱۹۹۹). رهبری تحول‌آفرین به سبکی از رهبری اطلاق می‌شود که رهبران در آن، با الهام‌بخشی، مشرق و ایجاد انگیزه در پیروان خود، آن‌ها را به سمت نوآوری و ایجاد تغییرات مثبت هدایت می‌کنند و در عین حال، افق‌هایی روشن و امیدبخش برای سازمان یا نهاد تحت سرپرستی خود ترسیم می‌کنند. رهبری تحول‌آفرین یک فرایند تیمی است که در آن، رهبر با ایجاد انگیزه در کارکنان، هم‌زمان به رشد سازمانی و شخصی پیروان خود دست می‌یابد. رهبر تحول‌آفرین به عنوان یک الگوی مثبت عمل می‌کند و با رفتار خود نمونه‌ای برای دیگران می‌سازد.

در مقابل، رهبری مبادله‌ای سیستمی است که از طریق پاداش‌ها و مجازات‌ها به نتایج مدنظر می‌رسد. این نوع رهبری نوعی «مبادله» است که در آن، رهبر از پیروان خود انتظار دارد به اهدافی مشخص دست یابند و در ازای آن، پاداش دریافت کنند یا در صورت عدم تحقق اهداف، مجازات شوند. این دو نوع رهبری همچنین در آموزش تیزهوشان استفاده

¹ Bass

² Avolio

³ Riggio

⁴ Sashkin

⁵ Sosik & Megerian

شده‌اند (برای مثال، کارنس و بین، ۲۰۱۷؛ راس و اسمیت^۱، ۱۹۹۵؛ اسمیت و راس، ۱۹۹۹)، اما تمرکز این فصل بر روی رهبری تحول‌آفرین نیست. در عوض، این فصل به مفهومی که در اینجا معرفی شده است و آن را «تیزهوشی تحول‌آفرین» می‌نامم و همچنین «تیزهوشی مبادله‌ای» که معادل آن در ادبیات رهبری است، اختصاص دارد.

تیزهوشی تحول‌آفرین در مقابل تیزهوشی مبادله‌ای

تیزهوشی تحول‌آفرین به عنوان نوعی تیزهوشی تعریف می‌شود که به طور ذاتی به دنبال ایجاد تغییرات مثبت و پایدار در جامعه و جهان با هدف ساختن دنیایی بهتر است (برای جزئیات بیشتر به مدل شهروندی و رهبری فعال و دغدغه‌مند و همچنین آثار استرنبرگ، ۲۰۱۷ در حال چاپ الف و ب، که این مفهوم بر اساس آن توسعه یافته است، مراجعه کنید). این نوع تیزهوشی به طرز ویژه بر ایجاد تغییرات معنادار و تأثیرگذار در سطح اجتماعی و فردی متمرکز است. در مقابل، تیزهوشی مبادله‌ای نوعی از تیزهوشی است که بر اساس تبادل و پاداش عمل می‌کند؛ به این معنا که فرد به عنوان تیزهوش شناخته می‌شود و سپس از او انتظار می‌رود در ازای این شناسایی، عملکردی بالا در حوزه‌های تحصیلی نشان دهد. همچنین، ممکن است این فرد انتظار داشته باشد در آینده نیز در مسیر موفقیت‌های تحصیلی خود ادامه دهد، مانند پذیرش در دانشگاه‌های معتبر، موفقیت در آن‌ها و سپس کسب شغلی با اعتبار زیاد. این موفقیت‌ها به عنوان معیاری برای اثبات کارایی و تأثیر سیستم شناسایی تیزهوشان در نظر گرفته می‌شوند.

هیچ یک از انواع تیزهوشی مبادله‌ای و تحول‌آفرین به طور ذاتی از تولد فرد نشئت نمی‌گیرند. هر دو نوع تیزهوشی نتیجه تعاملی پیچیده میان ویژگی‌های فردی و نوعی آموزش، راهنمایی، مدل‌سازی و اجتماعی‌سازی هستند که فرد در طول دوره رشد خود دریافت می‌کند. به ویژه، فردی که خود را با الگوهای خاص تیزهوشان هم‌سو کند، به احتمال زیاد به همان نوع تیزهوشی دست خواهد یافت. افراد با تیزهوشی تحول‌آفرین عمدتاً بر ایجاد تغییرات مثبت و پایدار در جامعه و محیط اطرافشان تمرکز دارند، در حالی که افراد با تیزهوشی مبادله‌ای بیشتر بر سیستم‌های پاداش و مجازات متمرکز هستند. اگرچه تیزهوشان مبادله‌ای ممکن است تفاوت‌هایی مثبت ایجاد کنند، این تغییرات معمولاً به واسطه پاداش‌هایی است که در ازای اقدامات خود دریافت می‌کنند. در مقابل، تیزهوشان تحول‌آفرین، با وجود دریافت پاداش‌ها،

¹ Ross & Smyth

بیشتر بر تأثیرات عمیق و پایدار تفاوت‌هایی که ایجاد می‌کنند متمرکز هستند؛ به عبارت دیگر، انگیزه آن‌ها نه از دستاوردهای مادی، بلکه از ایجاد تغییرات مثبت و تحول‌آفرین ناشی می‌شود.

من باور دارم پرسش‌هایی که پژوهشگران و آموزگاران تیزهوشان مطرح می‌کنند، معمولاً تحت تأثیر دیدگاه مبادله‌ای تیزهوشی قرار دارند. به عنوان آموزگاران، ما کودکی را به عنوان «تیزهوش» شناسایی می‌کنیم و در ازای آن، از او انتظار داریم در زمینه‌های تحصیلی عملکردی برجسته داشته باشد، رفتاری معقول از خود نشان دهد تا موجب مشکلاتی برای معلم نشود و در نهایت، در زندگی آینده خود موفقیت‌هایی به دست آورد که از نظر شغلی، مالی، تعداد جوایز معتبر، پتنت‌ها، مقاله‌های علمی و سایر معیارهای مشابه قابل سنجش باشند. این معیارها ریشه در مطالعات تیزهوشان توسط ترمن^۱ (۱۹۲۵؛ ترمن و اودن^۲، ۱۹۵۹) دارند و در بسیاری از پژوهش‌های بعدی که ابزارهای شناسایی دانش‌آموزان تیزهوش را ارزیابی کرده‌اند، همچنان ادامه یافته‌اند (برای نمونه، مقاله‌های هِلر^۳ و همکاران، ۲۰۰۰؛ فایفر^۴، ۲۰۱۷، ۲۰۱۸؛ سوبوتنیک و آرنولد^۵، ۱۹۹۴).

آیا ممکن است پرسش‌هایی که پژوهشگران و آموزگاران مطرح می‌کنند، در بهترین حالت، بیشتر متناسب با شرایط گذشته باشند و در بدترین حالت، اصولاً از ابتدا ایده‌آل نباشند؟ آیا ممکن است پژوهشگران و آموزگاران در زمینه تیزهوشی به طور ناخواسته به نوعی معامله فاوستی^۶ دست زده باشند؟ به این صورت که از کودکان شناسایی شده به عنوان تیزهوش خواسته می‌شود تا به موفقیت‌هایی دست یابند که قابل اندازه‌گیری و مطابق معیارهای اجتماعی متداول هستند، اما این موفقیت‌ها ممکن است در کوتاه‌مدت مفید به نظر برسند و در بلندمدت از نظر اجتماعی کم‌اهمیت یا حتی مضر شوند. شاید بیان این نکته که این معیارها ممکن است «احتمالاً مضر» باشند، شگفت‌انگیز به نظر برسد، اما باید در نظر گرفت که پیامدهای موفقیت‌های کوتاه‌مدت گاهی اوقات ممکن است به عواقب منفی و

^۱ Terman

^۲ Oden

^۳ Heller

^۴ Pfeiffer

^۵ Arnold

^۶ عبارت «معامله فاوستی» به معنای توافق یا قراردادی است که در آن، فرد چیزی ارزشمند را در ازای چیزی دیگر از دست می‌دهد، معمولاً به بهای فریب یا زیان درازمدت. این اصطلاح از داستان «فاوست» گرفته شده است که در آن، شخصیت اصلی با شیطان برای دستیابی به خواسته‌هایش معامله می‌کند و در نهایت، بهایی گران‌تر از آنچه تصور می‌کند، می‌پردازد (مترجم).